

The Twelve-Day Iran–Israel War from the Perspective of International Law

Abdul Qadeem Sayeedi¹ 

1. M.A. in International Law, Department of Law, Faculty of Law, Kateb University, Kabul, Afghanistan.
Email: abqadeem.sayeedi@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 21/11/2025
Received in revised
form: 11/02/2026
Accepted: 11/03/2026
Available online:
19/03/2026

Keywords:

International Law; Use
of Force; Self-
Defense; Anticipatory
Self-Defense;
Preventive Self-
Defense

ABSTRACT

The recent military confrontations between the Islamic Republic of Iran and Israel, particularly Israel's attack on Iran on 13 June 2025 and the subsequent twelve-day war, have once again highlighted the necessity of reassessing the legitimacy of the use of force under international law. The central question of this study is whether Israel's reliance on the doctrine of "anticipatory self-defense" to justify its military operations, and Iran's military response based on the inherent right of self-defense, can be legally justified within the framework of international law. Using a descriptive-analytical approach and drawing upon international legal instruments, judicial decisions, and legal doctrines, this study examines the legality of the military actions undertaken by both parties within the framework of the United Nations Charter and related legal doctrines. The analysis is organized around four major themes: (1) the theoretical and legal foundations of the use of force, (2) the historical and political context of Iran–Israel tensions, (3) the status of self-defense, anticipatory self-defense, and preventive self-defense in international law, and (4) the legal assessment of the military actions of both parties. The findings indicate that the doctrines of anticipatory and preventive self-defense, particularly in the absence of an imminent armed attack, lack a solid legal basis in contemporary international law. Consequently, Israel's military operations may be characterized as a clear instance of aggression. In contrast, Iran's military response to those attacks, provided that the five essential conditions of lawful self-defense—namely the occurrence of an armed attack, necessity, immediacy, proportionality, and notification to the United Nations Security Council—are satisfied, may be considered consistent with Article 51 of the United Nations Charter. The study concludes that the legality of military action can only be justified within the framework of peremptory norms and the established practice of international law. Expansive interpretations of Article 51 of the Charter constitute extra-legal readings that may serve as a justification for the use of force and pose a threat to the international legal order.

Cite this article: Sayeedi, A. (2026). The Twelve-Day Iran–Israel War from the Perspective of International Law, *Kateb International Journal of Law*, 4 (2), 17–38.
DOI: <https://doi.org/10.66943/kjl.v4i2.71>



جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل

عبدالقدیم سعیدی^۱ 

۱. ماستر رشته حقوق بین‌الملل، دیپارتمنت حقوق، پوهنځی حقوق، پوهنتون کاتب، کابل، افغانستان.

ایمیل: abqadeem.sayeedi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله تحقیقی	درگیری‌های نظامی اخیر میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، به‌ویژه حمله ۲۳ جوزا ۱۴۰۴ اسرائیل به ایران و جنگ ۱۲ روزه پس از آن، بار دیگر ضرورت بازنگری در مفهوم مشروعیت کاربرد زور در حقوق بین‌الملل را برجسته ساخته است. پرسش اصلی آن است که آیا استناد اسرائیل به «دفاع مشروع پیش‌دستانه» برای توجیه حملات خود و پاسخ نظامی ایران به اسرائیل با استناد به حق ذاتی دفاع مشروع در چارچوب حقوق بین‌الملل قابل توجیه است؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اسناد بین‌المللی، آراء نهادهای قضایی و نظریه‌های حقوقی، به بررسی حقوقی اقدامات نظامی طرفین در چارچوب منشور ملل متحد و دکترین‌های مرتبط زیر چهار مبحث مهم (مبنای نظری و حقوقی، بررسی زمینه‌های تنش ایران و اسرائیل، جایگاه دفاع مشروع، دفاع پیش‌دستانه و دفاع پیش‌گیرانه در حقوق بین‌الملل و تحلیل حقوقی اقدامات نظامی طرفین) پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دکترین دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه، به‌ویژه در نبود حمله مسلحانه قریب‌الوقوع، فاقد مبنای حقوقی در حقوق بین‌الملل معاصر است و حملات اسرائیل را می‌توان مصداق روشن «تجاوز» دانست. در برابر، واکنش نظامی ایران در پاسخ به این حملات، با رعایت شرایط پنج‌گانه دفاع مشروع (یعنی وقوع حمله، ضرورت، فوریت، تناسب و اطلاع‌رسانی به شورای امنیت) می‌تواند با ماده ۵۱ منشور ملل متحد همخوان باشد. در نتیجه می‌توان گفت که مشروعیت اقدامات نظامی تنها در چارچوب قواعد آمره و رویه مستقر حقوق بین‌الملل قابل توجیه است و تفسیرهای گسترده از ماده ۵۱ منشور، تنها تفسیری فراقانونی، توجیهی برای کاربرد زور و تهدیدی برای نظم حقوقی بین‌المللی به شمار می‌رود.
واژه‌های کلیدی: حقوق بین‌الملل، توسل به زور، دفاع مشروع، دفاع مشروع پیش‌دستانه، دفاع مشروع پیش‌گیرانه	

استناد: سعیدی، عبدالقدیم (۱۴۰۴). جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل از منظر حقوق بین‌الملل. مجله بین‌المللی حقوق کاتب، ۴

DOI: <https://doi.org/10.66943/kjl.v4i2.71> .۳۸-۱۷، (۲)



© نویسندگان.

ناشر: پوهنتون کاتب.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، نظام بین‌الملل با ظهور تنش‌ها و درگیری‌های پیچیده‌ای روبه‌رو بوده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تنش‌های روزافزون میان جمهوری اسلامی ایران و دولت اسرائیل اشاره کرد. این تنش‌ها که ریشه در تضادهای ایدئولوژیک، رقابت‌های ژئوپولیتیکی و اختلافات راهبردی دارند، در سال‌های اخیر از سطح خصومت‌های لفظی و اقدامات نیابتی فراتر رفته و به درگیری‌های مستقیم نظامی انجامیده است. حمله ۲۳ جوزا، ۱۴۰۴ اسرائیل به ایران که به درگیری ۱۲ روزه میان این دو کشور و پاسخ‌های متقابل آن‌ها انجامید، نقطه اوجی در این روند به شمار می‌رود و پرسش‌های جدی را درباره مشروعیت حقوقی این اقدامات از دیدگاه حقوق بین‌الملل مطرح کرده است.

حقوق بین‌الملل معاصر، به‌ویژه با استناد به منشور سازمان ملل متحد، توسل به زور را به‌عنوان اصلی بنیادین ممنوع دانسته و دولت‌ها را به حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات فرامی‌خواند. با این حال، مفاهیمی مانند دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور)، دفاع پیش‌دستانه و دفاع پیش‌گیرانه در سال‌های اخیر مورد استناد برخی دولت‌ها برای توجیه اقدامات نظامی قرار گرفته‌اند. در همین چارچوب، اسرائیل حملات خود به تأسیسات نظامی ایران را در قالب دفاع پیش‌دستانه توصیف کرده، حال آن‌که ایران آن را تجاوز آشکار و نقض اصول آمره حقوق بین‌الملل می‌داند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی مشروعیت این جنگ، به تحلیل حقوقی جنگ ۱۲ روزه این دو کشور می‌پردازد و می‌کوشد تا با تکیه بر اسناد بین‌المللی، رویه‌های قضایی و نظریه‌های حقوقی، مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات صورت‌گرفته از سوی طرفین را ارزیابی کند. همچنین جایگاه مفاهیم دفاع مشروع، دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه در حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود.

این پژوهش با این پرسش اصلی که «آیا استناد اسرائیل به «دفاع مشروع پیش‌دستانه» برای توجیه حملات خود و پاسخ نظامی ایران به اسرائیل با استناد به حق ذاتی دفاع مشروع در چارچوب حقوق بین‌الملل قابل توجیه است یا نه؟» به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با تمرکز بر منابع حقوق بین‌الملل، اسناد سازمان ملل و آراء نهادهای قضایی بین‌المللی انجام می‌شود. فرضیه پژوهش این است که در حقوق بین‌الملل امروزی، دفاع پیش‌دستانه هرچند از سوی برخی دانشمندان پذیرفته شده، هنوز هم مشروعیت آن جای اختلاف است؛ اما دفاع پیش‌گیرانه جایگاهی ندارد و نظام مبتنی بر منشور به‌طور صریح فقط دو استثنا بر ممنوعیت توسل به زور را پذیرفته است.

۱. مبانی نظری و حقوقی

ممنوعیت توسل به زور یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود که در اسناد متعدد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته و دولت‌ها را به رعایت آن مکلف ساخته است. این اصل به‌طور صریح در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد منعکس شده است که مقرر می‌دارد: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد ناسازگار باشد، خودداری خواهند کرد».

این حکم نشان می‌دهد که ممنوعیت توسل به زور تنها یک قاعده قراردادی نیست، بلکه در پیوند با اصول ساختاری حقوق بین‌الملل، از جمله حاکمیت دولت‌ها، برابری حاکمیتی و احترام به تمامیت ارضی قرار دارد. در واقع، نظام حقوق بین‌الملل معاصر بر این فرض استوار است که همه دولت‌ها دارای حاکمیت برابرند و هیچ دولتی حق ندارد با توسل به زور، استقلال سیاسی یا تمامیت ارضی دولت دیگر را مخدوش سازد (داعی‌الاسلام، ۱۴۰۱: ۷۶).

با این حال، اهمیت این اصل تنها در منشور ملل متحد خلاصه نمی‌شود، بلکه در اسناد عرفی و شبه‌عرفی بین‌المللی نیز تکرار و تثبیت شده است. از جمله، در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها (مصوب ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد)، بر برابری حاکمیتی دولت‌ها، احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی تأکید شده و استفاده از زور به عنوان ابزار حل اختلافات بین‌المللی مردود شناخته شده است (UN/GA/Res۲۶۲۵).

همین‌طور، سند نهایی کنفرانس هلسینکی (۱۹۷۵) نیز با تأکید بر اصل عدم تهدید یا استفاده از زور، تخطی‌ناپذیری مرزها و حل مسالمت‌آمیز اختلافات، چارچوبی تکمیلی برای تحکیم این اصل فراهم کرده است. این سند همچنین بر حق هر دولت در انتخاب آزادانه نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود تأکید کرده و مداخله در این زمینه را مغایر با حقوق بین‌الملل دانسته است^۱ (Helsinki Final Act, 1975, Part 4).

در رویه قضایی نیز دیوان بین‌المللی دادگستری این اصول را به عنوان قواعد عرفی الزام‌آور شناسایی کرده است. در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه، دیوان تصریح کرد که اصل منع توسل به زور و اصل عدم مداخله، از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی است و نقض آن‌ها موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود. دیوان همچنین تأکید کرد که هرگونه مداخله در انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی یک دولت، نقض اصل حاکمیت به شمار می‌رود و اساس نظم حقوق بین‌الملل را تضعیف می‌کند (I.C.J Reports, Judgment of June, 27, 1986, Para 4).

با وجود این، اصل منع توسل به زور مطلق نیست و نظام حقوق بین‌الملل برای آن دو استثنای اصلی قائل شده است: نخست، استفاده از زور در چارچوب اقدامات جمعی شورای امنیت بر پایه فصل هفتم منشور؛ دوم، اعمال حق دفاع مشروع برابر ماده ۵۱ منشور ملل متحد. با این حال، تحقق دفاع مشروع نیز منوط به شرایطی همچون وقوع حمله مسلحانه، ضرورت، فوریت و تناسب پاسخ است که تفسیر و دامنه آن در دکترین حقوق بین‌الملل همواره جای بحث و اختلاف بوده است.

1 . The participating States will respect the territorial integrity of each of the participating States. Accordingly, they will refrain from any action inconsistent with the purposes and principles of the Charter of the United Nations against the territorial integrity, political independence or the unity of any participating State, and in particular from any such action constituting a threat or use of force. The participating States will likewise refrain from making each other's territory the object of military occupation or other direct or indirect measures of force in contravention of international law, or the object of acquisition by means of such measures or the threat of them. No such occupation or acquisition will be recognized as legal.

در چنین چارچوبی، نخست باید بررسی شود که آیا اقدامات نظامی منتسب به هریک از طرفین، در پاسخ به «حمله مسلحانه» به معنای ماده ۵۱ منشور ملل متحد صورت گرفته است یا نه. در صورت احراز وقوع حمله مسلحانه، دولت مورد تعرض می‌تواند به دفاع مشروع متوسل شود؛ مشروط بر آن که معیارهای ضرورت، فوریت و تناسب رعایت شده باشد. با این حال، چالش اصلی در مخاصمات معاصر، به‌ویژه در روابط ایران و اسرائیل، در تفسیر «آستانه حمله مسلحانه» و همچنین تمایز میان اقدامات دفاعی پیش‌دستانه و اقدامات پیش‌گیرانه است که همواره در دکترین حقوق بین‌الملل جای اختلاف بوده است.

بر این پایه، در تحلیل جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل (موضوع این پژوهش)، تعیین مشروعیت اقدامات طرفین تنها از راه بررسی ادعاهای سیاسی یا امنیتی امکان‌پذیر نیست، بلکه باید تنها در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل، به‌ویژه ماده ۵۱ منشور ملل متحد و اصول عرفی مرتبط با منع توسل به زور، ارزیابی شود. به عبارت دیگر، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا اقدامات نظامی صورت‌گرفته در این جنگ، واجد شرایط دفاع مشروع بوده‌اند یا آن که باید در زمره رفتارهای مغایر با حقوق بین‌الملل و ناقض اصل منع توسل به زور طبقه‌بندی شوند؟

۲. بررسی زمینه‌های تنش ایران و اسرائیل

ایران در دوره سلطنت پهلوی (پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷) روابط دوستانه‌ای با اسرائیل داشت و حتی در سال ۱۹۵۰ اسرائیل را به‌عنوان یک کشور به رسمیت شناخت. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی در روابط ایران و اسرائیل بود و دشمنی مستقیم این دو کشور پس از انقلاب پدیدار گردید (Sharma, 2024). با پیروزی انقلاب اسلامی، عامل‌های همکاری و همگرایی جای خود را به دشمنی داد. روابط ایران و اسرائیل قطع شد و سفارت اسرائیل در تهران در اختیار فلسطینی‌ها (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) قرار گرفت. اسرائیل نه تنها اصلی‌ترین متحد منطقه‌ای خود را از دست داد، بلکه همان متحد درجه یک به دشمن درجه یک آن دولت تبدیل شد. دیری نپایید که مخالفت با اسرائیل و تعهد ایدئولوژیک ایران به فلسطین از اجزای اصلی هویت جمهوری اسلامی ایران گردید و به محور ثابت سیاست خارجی ایران بدل شد (موسوی فر، ۱۳۹۵: ۵۱۲). جمهوری اسلامی زیر رهبری آیت‌الله خمینی، اسرائیل را به‌عنوان یک دولت نامشروع و نماد امپریالیسم غرب محکوم کرد.

سیاست‌های جمهوری اسلامی در برابر اسرائیل، از جمله گفته روح‌الله خمینی که «اسرائیل غده سرطانی است» و «باید از صحنه روزگار محو شود» و تکرار آن از سوی آیت‌الله علی خامنه‌ای و محمود احمدی‌نژاد، محکومیت جهانی ایران را به دلیل تهدید یک عضو سازمان ملل متحد به بار آورده و کینه سختی میان دو طرف شکل داده است (داور، ۱۴۰۱).

اسرائیل با استناد به سیاست‌های اعلامی جمهوری اسلامی (مبنی بر نابودی اسرائیل)، خواستار مقابله جهانی با آن شد. مقامات اسرائیلی پس از انقلاب بارها و به‌صراحت بزرگ‌ترین خطر امنیتی خود را جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرده‌اند. از جمله شیمون پرز که معتقد است: «اسرائیل از سوی هیچ کشوری جز ایران تهدید نمی‌شود و این دولت بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت و موجودیت اسرائیل است» (موسوی فر، ۱۳۹۵: ۵۱۳). مقامات اسرائیلی در تهدیدزا بودن ایران برای موجودیت اسرائیل، افزون بر شعارهای ضداسرائیلی،

بر حمایت ایران از حزب‌الله لبنان و گسترش صنایع موشکی متمرکز بوده‌اند. در مورد حمایت صریح ایران از حزب‌الله لبنان، این استدلال وجود دارد که ایران با حمایت از حزب‌الله نخست، سلاح کارآمدی در برابر اسرائیل دارد؛ دوم، نفوذ خود را به فراتر از مرزهایش گسترش می‌دهد و سوم، در برخی موارد برای از میان بردن مخالفان و آسیب زدن به منافع آمریکا از حزب‌الله استفاده می‌کند (Byman, 2003).

همچنان، تولیدات هسته‌ای و صنایع موشکی ایران از دیگر دغدغه‌های امنیتی اسرائیل و آمریکا است. توسعه توانمندی‌های موشک‌های بالیستیک دوربرد جمهوری اسلامی و پرتاب آزمایشی آن‌ها همراه با حک کردن شعارهایی به زبان انگلیسی حاکی از نابودی اسرائیل و آمریکا بر روی بدنه موشک‌ها، آریل شارون^۱ را به واکنش واداشت و در مصاحبه با روزنامه معاریو، ایران را مشکل اصلی اسرائیل نامید و مدعی شد که ایران گام‌های بزرگی در راه تولید سلاح‌های کشتار جمعی برمی‌دارد و موشک‌های شهاب را خطر جدی برای اسرائیل توصیف کرد (موسوی‌فر، ۱۳۹۵: ۵۱). رابطه جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان و توسعه همه‌جانبه فناوری موشکی و آزمایش‌های آن هنوز هم دستاویز اسرائیل برای معرفی جمهوری اسلامی به‌عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی است. افزون‌براین، سیاست اسرائیل در برابر ایران از سال‌ها پیش، براندازی رژیم جمهوری اسلامی بوده است که از دیدگاه حقوق بین‌الملل ممنوع می‌باشد. چنان‌که نخست‌وزیر اسرائیل در مصاحبه با روزنامه اسرائیلی معاریو خواهان اجماع جهانی به‌ویژه دولت‌های عضو شورای امنیت سازمان ملل برای تغییر رژیم در ایران گردید. وی به منظور تغییر رژیم در ایران، خواهان اعمال تحریم‌های اقتصادی، دیپلماتیک و سیاسی بر این کشور شد. نخست‌وزیر اسرائیل در گفت‌وگو با معاریو بیان داشت: «احساس ناراحتی می‌کند از این‌که دنیا در حال عادت کردن به آن زمانی است که اعلام شود ایران هم به جمع دارندگان جنگ‌افزار هسته‌ای پیوسته است» (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۱ آوریل ۲۰۰۵). در ژانویه ۲۰۱۴، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نیز هشدار داد که برنامه هسته‌ای ایران در نتیجه توافق موقت خود با جامعه بین‌المللی (برجام) تنها شش هفته عقب می‌افتد (Fox news, 29, Jan, 2014).

اسرائیل که از احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ابراز نگرانی می‌کند، خود دارای سلاح هسته‌ای است، پیمان بین‌المللی منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای را امضا نکرده و هیچ‌گاه به بازرسان بین‌المللی اجازه بازرسی از تأسیسات هسته‌ای خود نداده است.

بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹، اسرائیل چندین مورد از حملات پنهانی را به اهداف حزب‌الله لبنان و ایران در داخل خاک سوریه، لبنان و عراق انجام داده یا از آن‌ها پشتیبانی کرده است. یکی از رویدادهای گزارش شده به‌طور مؤثق زمانی بود که هواپیماهای اسرائیلی به کاروانی حمله کردند و گفته شد که در حال انتقال سلاح‌های ایرانی به حزب‌الله بوده است (The Jerusalem Post, 17, Mar, 2017).

در ماه ژوئن ۲۰۱۹، اسرائیل یک سلسله حملات موشکی علیه ایران در خاک عراق انجام داد و هواپیماهای جنگنده F-35 اسرائیلی دو بار به اهداف ایران در عراق حمله کردند (The Jerusalem Post, 23, Aug, 2019).

۱. از سیاستمداران و یازدهمین نخست‌وزیر اسرائیل.

در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حماس (یکی از گروه‌های مورد حمایت ایران) و چند گروه شبه‌نظامی ملی‌گرای فلسطینی دیگر، حملات برنامه‌ریزی‌شده‌ای را از نوار غزه به سمت جنوب اسرائیل زیر عنوان «طوفان الاقصی» انجام دادند. حدود ۳۰۰۰ جنگجوی آن‌ها با شکستن دیوار غزه-اسرائیل، به پایگاه‌های نظامی حمله کردند. برابر گزارش‌ها، در این حمله حدود ۱۱۳۹ نفر، از جمله ۶۹۵ غیرنظامی اسرائیلی، ۳۸ کودک، ۷۱ شهروند خارجی و ۳۷۳ عضو نیروهای امنیتی کشته شدند. حدود ۲۵۰ غیرنظامی اسرائیلی (از جمله ۳۰ کودک) به‌عنوان گروگان به نوار غزه برده شدند (The times of Israel, 3, Mar, 2024).

پس از حمله حماس به اسرائیل، بحث‌ها دربارهٔ دخیل بودن ایران در حمله حماس بالا گرفت. حماس اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران حامی حملات فلسطینیان بوده است (The Wall Street Journal, 8, Oct, 2023). از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران دست داشتن در حملات حماس به اسرائیل را تکذیب کرده، اما حمایت خود را از آنچه «زلزلهٔ ویرانگر» علیه اسرائیل نامیده، اعلام داشته است (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ اسد ۱۴۰۳). علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، با به اشتراک گذاشتن ویدئویی که در آن گروه بزرگی از غیرنظامیان اسرائیلی در حال فرار از حملهٔ جنگجویان فلسطینی هستند، به انگلیسی نوشت: «به خواست خدا، سرطان رژیم اشغالگر صهیونیستی به دست مردم فلسطین و نیروهای مقاومت در سراسر منطقه ریشه‌کن خواهد شد» و حمایت خود را از حماس اعلام کرد (X@Khameneei.it, 7 Oct 2023). پس از حملهٔ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و احتمال دست داشتن ایران در این حمله، ایران و اسرائیل وارد مرحلهٔ تازه‌ای از درگیری‌ها شدند.

در ۱۳ حمل ۱۴۰۳، ساختمان کنسولگری ایران در دمشق توسط اسرائیل هدف حملهٔ هوایی قرار گرفت که به کشته شدن سیزده تن، از جمله مقامات عالی‌رتبهٔ نیروهای مسلح ایران انجامید (بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳ حمل ۱۴۰۳). یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، در جلسهٔ کمیتهٔ پارلمانی این کشور گفت: «ما در حال حاضر در چند جبهه می‌جنگیم و هر روز، از جمله در چند روز گذشته شاهد این موضوع بوده‌ایم». وی گفت: «ما به‌منظور جلوگیری از قدرت گرفتن دشمنانمان، هر روز و هر جا عملیات انجام می‌دهیم تا برای هر کسی که ما را در سراسر خاورمیانه تهدید کند روشن کنیم که بهای چنین اقدامی گران خواهد بود» (یورونیوز فارسی، ۱۴ حمل ۱۴۰۳).

دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد طی نامه‌ای خواستار برگزاری جلسهٔ فوری شورای امنیت در ارتباط با حمله به کنسولگری این کشور در دمشق شد. در این نامه، ضمن درخواست محکوم کردن این حمله از سوی شورای امنیت، این حملهٔ هوایی «نقض آشکار منشور ملل متحد، قوانین بین‌الملل و اصل اساسی مصونیت اماکن دیپلماتیک و کنسولی مصرح در کنوانسیون روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱، کنوانسیون وین دربارهٔ روابط کنسولی ۱۹۶۳ و همچنین کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم علیه افراد تحت حمایت بین‌المللی، از جمله عامل‌های دیپلماتیک ۱۹۷۳» خوانده شده است (Ambassador's Statement, 01, Apr, 2024).

زهرار ارشادی، معاون سفیر دایم ایران در سازمان ملل متحد، تأکید کرد که کشورش «حق مشروع و ذاتی خود را بر پایه قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد برای پاسخ قاطع به این‌گونه اقدامات تروریستی محفوظ می‌داند» (بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳ حمل ۱۴۰۳).

ایران در پاسخ به این حمله، در ۲۶ حمل ۱۴۰۳ (۱۴ آوریل ۲۰۲۴)، اهداف مشخصی را در قلمرو اسرائیل با استفاده از حدود ۳۰۰ موشک و پهپاد زیر عنوان «وعده صادق» مورد حمله قرار داد؛ هرچند اسرائیل ادعا کرد که بیشتر این موشک‌ها را رهگیری و سرنگون کرده است (The Washington post, 14, Apr 2024).

شش روز پس از این حمله، در ۱۹ آوریل ۲۰۲۴ (۳۱ حمل ۱۴۰۳)، صبحگاه، نیروی هوایی اسرائیل تأسیسات دفاع هوایی درون ایران را هدف حمله هوایی قرار داد. رسانه‌های ایرانی از انفجار جزئی در نزدیکی اصفهان خبر دادند که در آن‌جا تأسیسات هسته‌ای، مرکز ساخت پهپاد و پایگاه هوایی بزرگی قرار دارد. بر پایه تصاویر منتشرشده، در این حمله به بخشی از سامانه دفاع هوایی (اس-۳۰۰) پایگاه هوایی هشتم شکاری اصفهان آسیب وارد شده است (دویچه‌وله فارسی، ۱ ثور ۱۴۰۳).

در ۱۰ اسد ۱۴۰۳، اسماعیل هنیه (رئیس دفتر سیاسی حماس) (وی‌او‌ای فارسی، ۱۰ اسد ۱۴۰۳) و در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴، حسن نصرالله (دبیرکل حزب‌الله) (Reuters, 29, Sep, 2024) و عباس نیلفروشان (معاون فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده نیروی قدس) توسط اسرائیل کشته شدند (روزنامه اطلاعات آنالاین، ۷ میزان ۱۴۰۳). ایران باز هم تهدید کرد که این حمله اسرائیل بی‌پاسخ نخواهد ماند.

در پاسخ به این حمله، در ۱۰ میزان ۱۴۰۳ (۱ اکتبر ۲۰۲۴)، حدود ۲۰۰ موشک از ایران به سمت اسرائیل پرتاب شد (The Guardian, 01, Oct, 2024). اسرائیل در پاسخ متقابل، در ۵ عقرب ۱۴۰۳ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۴)، سه موج حمله هوایی به نام «عملیات روزهای پاسخ» به ایران انجام داد. این حملات در چند استان ایران ادامه یافت و به خسارت‌های قابل توجه به چند مرکز حساس نظامی انجامید. اسرائیل مدعی شد که برخی از جنگنده‌های آن وارد حریم هوایی ایران شده‌اند (The Jerusalem Post, 26, Oct, 2024).

یک خبرگزاری ایرانی وابسته به سپاه گزارش داد که تأسیسات نظامی در غرب و جنوب غرب تهران و همچنین پایگاه‌هایی در استان‌های ایلام و خوزستان مورد حمله قرار گرفتند. چهار تن از کادر ارتش ایران و یک نگهبان کشته شدند (Aljazeera, 26, Oct, 2024). بخشی از سیستم دفاع هوایی (پدافند هوایی) ایران، از جمله به‌طور تقریب همه سامانه‌های اس-۳۰۰، منهدم شد. همچنین در این حمله، تأسیساتی در منطقه پارچین که اسرائیل مدعی است ایران در آن تحقیقات تسلیحات هسته‌ای انجام می‌داد، تخریب شد (The times of Israel, 27, Oct, 2024). بر پایه ارزیابی‌ها، ایالات متحده مدعی بود که این حملات توانایی تولید موشک سپاه پاسداران را مختل کرده است و برآورد آن‌ها نشان می‌دهد که دست‌کم یک سال طول می‌کشد تا قطعات تخریب‌شده لازم برای ازسرگیری تولید موشک بازسازی شود (Axios, 26, Oct, 2024).

در حالی که تنش‌ها کماکان ادامه داشت، پس از چند ماه، در ۲۳ جوزا، ۱۴۰۴، اسرائیل با ورود به حریم هوایی ایران، حملات نظامی گسترده‌ای انجام داد. این حملات که توسط نیروهای دفاعی اسرائیل و موساد انجام شد، تأسیسات هسته‌ای، پایگاه‌های نظامی، مناطق مسکونی و منازل مقامات ارشد ایرانی را هدف قرار داد. این عملیات به وارد آمدن خسارت به سایت‌های کلیدی هسته‌ای و کشته شدن مقام‌های ارشد نظامی ایران انجامید. این حمله، بزرگ‌ترین حمله علیه ایران از زمان جنگ ایران و عراق تاکنون به شمار می‌رود.

وزیر دفاع اسرائیل گفت که این کشور حملاتی «پیش‌دستانه» علیه ایران انجام داده و انتظار دارد ایران به‌زودی واکنش نشان دهد (The times of Israel, 13, June, 2025). بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، اعلام کرد که این حملات با عنوان «شیر بر خاسته»، «یک عملیات نظامی هدفمند برای رفع تهدید ایران علیه بقای اسرائیل» بوده است. او گفت که این عملیات «تا زمانی که گسترش [تهدید] متوقف شود، ادامه خواهد داشت». او افزود: «ایران در ماه‌های اخیر اقداماتی انجام داده که پیش از این هرگز انجام نداده بود، اقداماتی در جهت تسلیحاتی کردن اورانیوم غنی‌شده». وی بیان داشت: «اگر جلو ایران گرفته نشود، می‌تواند در مدت بسیار کوتاهی به سلاح هسته‌ای دست یابد، ممکن است یک سال طول بکشد، یا حتی چند ماه، کمتر از یک سال. این یک تهدید آشکار و فوری برای بقای اسرائیل است». قابل ذکر است که برخی دیگر این حمله را «حملهٔ پیش‌گیرانه» توصیف کرده‌اند (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۳ جوزا ۱۴۰۴).

جمهوری اسلامی در واکنش به حملات اسرائیل، شامگاه همان روز (۲۳ جوزا، ۱۴۰۴)، برخی شهرها در اسرائیل، از جمله تل‌آویو را مورد حملهٔ موشکی قرار داد (دویچه‌وله فارسی، ۲۳ جوزا، ۱۴۰۴). در این حملات، صدها موشک به سوی اهدافی در اسرائیل شلیک گردید؛ موشک‌هایی که سیستم‌های دفاعی اسرائیل نتوانسته بود همهٔ آن‌ها را رهگیری کند و خسارت‌های سنگینی به بار آورد.

حملات اسرائیل به ایران و پاسخ‌های تلافی‌جویانهٔ ایران به اسرائیل، ۱۲ روز به درازا کشید و طبق گزارش‌های رسمی برای هر دو طرف به کشته و زخمی شدن غیرنظامیان انجامید. در پایان با دخالت آمریکا و حملهٔ این کشور به تأسیسات هسته‌ای ایران، طرف‌های درگیر با آتش‌بس موافقت کردند (بی‌بی‌سی فارسی، ۲ سرطان ۱۴۰۴).

پس از این توافق، باز هم حملاتی از سوی ایران علیه اسرائیل صورت گرفت. هرچند در ساعات نخستین ایران آن را تکذیب کرد، اما بعدها عباس عراقچی، وزیر خارجهٔ جمهوری اسلامی، به‌طور تلویحی ساعت چهار صبح به وقت تهران را زمان آغاز توقف حملات از سوی ایران اعلام کرد. پس از این توافق، اسرائیل اعلام کرد که به همهٔ اهداف عملیات خود در ایران دست یافته است (دویچه‌وله فارسی، ۳ سرطان ۱۴۰۴).

با توجه به پیشینهٔ بالا، باید دید که مشروعیت جنگ ایران و اسرائیل از دیدگاه حقوق بین‌الملل چه‌گونه است؟ برابر اظهارات مقامات اسرائیلی و استناد آن‌ها به اقدامات پیش‌دستانه یا پیش‌گیرانه، باید دید که آیا دفاع پیش‌دستانه یا پیش‌گیرانه در حقوق بین‌الملل مشروع و پذیرفته است یا نه.

۳. جایگاه دفاع مشروع، دفاع پیش‌دستانه و دفاع پیش‌گیرانه در حقوق بین‌الملل

چنان‌که پیش‌تر یادآوری شد، منشور ملل متحد، اصل را بر ممنوعیت توسل به زور و عدم مداخله نهاده است (UN Charter, 1945, art2, par4-6) و این قاعده از قواعد آمره حقوق بین‌الملل می‌باشد. با این حال، این اصول در دو مورد (تحت مجوز شورای امنیت و دفاع مشروع برابر ماده ۵۱) می‌توانند نقض شوند. ماده ۵۱ منشور بیان می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته‌جمعی، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به‌هیچ‌وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت».

البته بر پایه اصول مسلم حقوق بین‌الملل، در صورتی که دولت‌ها در معرض حمله باشند و این حمله از نوع حمله در حال وقوع یا فعلیت یافته باشد، می‌توانند به اقدامات نظامی متوسل شوند و هیچ عامل دیگری نمی‌تواند مانع این اقدام شود و این اقدام متناسب با حق ذاتی دفاع مشروع مصرح در ماده ۵۱ منشور است. مشکل در این زمینه، تفسیر گسترده از دفاع مشروع زیر عنوان‌های دفاع پیش‌دستانه و دفاع پیش‌گیرانه است که طرفداران این نظریه معتقدند در صورت قریب‌الوقوع بودن یک حمله، کشورها می‌توانند با تکیه بر دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه دست به اقدامات نظامی علیه یک کشور بزنند. چنان‌که اسرائیل در مورد حمله ۲۳ جوزا، ۱۴۰۴ به ایران، ادعا کرد که این یک حمله پیش‌دستانه در جهت رفع تهدید حملات ایران و تضعیف توانایی آن کشور در جهت ساخت سلاح‌های هسته‌ای بوده است که تهدید جدی علیه اسرائیل می‌باشد.

در این‌جا پرسش آن است که دکتترین دفاع پیش‌دستانه تا چه اندازه در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است، سرچشمه آن چیست و آیا در چنین شرایطی دولتی می‌تواند بدون مراجعه به شورای امنیت، مدعی حق اقدام به‌عنوان پیش‌بینی دفاع از خود بر پایه دفاع پیش‌دستانه در برابر یک حمله قریب‌الوقوع یا دفاع پیش‌گیرانه علیه تهدید احتمالی شود؟

پیش از پرداختن به مشروعیت دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه، نیاز است تا اندکی درباره تفاوت میان این دو اصطلاح سخن گفته شود. با توجه به ماده ۵۱ منشور و رویه بعدی کشورها و تفسیرهای آن‌ها از ماده ۵۱ منشور ملل متحد، در دفاع از خود سه وضعیت متفاوت مطرح بوده است:

(۱) دفاع مشروع عادی: دفاع در برابر یک حمله مسلحانه واقع شده (فعلیت یافته) که برابر ماده ۵۱ منشور، به‌طور کامل قانونی است و جای بحث و چون‌وچرا در مورد مشروعیت آن نیست، مشروط بر این‌که برابر با شرایط آن انجام شود؛ (۲) دفاع پیش‌دستانه: دفاع در برابر حمله قریب‌الوقوع؛ (۳) دفاع پیش‌گیرانه: دفاع در برابر اقداماتی که هنوز به آستانه خطر قریب‌الوقوع نرسیده و حتی بعیدالوقوع است. این نوع دفاع بر پایه احتمال حمله در آینده‌ای نامعلوم انجام می‌شود.

دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه هر دو مؤلفه‌هایی هستند که ماهیت تهاجمی دارند، اما با ادله تدافعی به کار گرفته می‌شوند و چنان‌که گفته شد، منطقی متفاوت از دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور (که وقوع حمله مسلحانه را شرط توسل به زور از سوی قربانی می‌داند) دارند.

اشتاینبرگ^۱ در بیان تفاوت دفاع پیش‌گیرانه^۲ و پیش‌دستانه^۳ این‌گونه اظهار داشته است: «پیشگیری در شرایطی است که شما شخصی را می‌بینید که تفنگی را در دست دارد و شما از او خوش‌تان نمی‌آید و درعین‌حال آن شخص دارای سابقه و پیشینه بدی نیز می‌باشد. با وجود این‌که آن شخص شما را با تفنگ مورد هدف قرار نداده است و شما هیچ دلیلی ندارید که فکر کنید او قصد شلیک به شما را دارد، به وی حمله می‌کنید؛ اما پیش‌دستی مربوط به موقعیتی است که شخص با تفنگی مسلح، مورد تهدید قرار گرفته است و از این‌رو، برای دفاع از خود به‌گونه تهاجمی وارد عمل می‌شود» (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۸۶).

بدین ترتیب، می‌توان گفت دفاع پیش‌دستانه و حمله پیش‌گیرانه، دارای مفاهیمی جداگانه هستند. دفاع پیش‌دستانه پاسخ به حملات مسلحانه یا حملات قریب‌الوقوع و مربوط به وضعیتی است که دولت قربانی درمی‌یابد حملاتی در حال وقوع است. در این حالت، برخی چنین اقداماتی را مشروع و مجاز می‌دانند، البته مشروط به وجود دو شرط: نخست، در پاسخ به حملات قریب‌الوقوع و دوم، در شرایطی که یک دولت یک بار در گذشته مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و در حال حاضر شواهدی آشکار و دلایل قانع‌کننده مبنی بر آمادگی دشمن برای حمله دوباره ارائه دهد. برخی نویسندگان هر دو مؤلفه بالا را زیر عنوان اقدام پیش‌دستانه ملاحظه کرده‌اند و نیز دفاع پیش‌دستانه را اگر در برابر حمله‌ای قطعی به کار رود، مشمول وصف مشروعیت دانسته‌اند و نیز بیان داشته‌اند که اگر سازمان ملل عملیاتی نظامی در برابر تهدیدات انجام دهد، آن اقدام، عملیات پیش‌دستانه^۴ نامیده می‌شود (ظریف و امینه، ۱۳۹۱: ۴۵).

به‌هرحال، تفاوت آن دو هرچه باشد، هردو یک وجه مشترک دارند و آن این است که هردو روایت جدید و تفسیر گسترده از ماده ۵۱ منشور هستند. بنابراین باید دید که خاستگاه و جایگاه آن‌ها در حقوق بین‌الملل چیست.

دفاع پیش‌دستانه، رویه معمول دکترین آمریکایی است که پس از ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲ در پی حملات القاعده، در سند راهبردی امنیت ملی آمریکا^۵ تصویب شد. در این سند آمده است: «ما باید پیش از این‌که تهدیدی آشکار شود، آن را مهار کنیم و در برابر آن دفاع کنیم». همچنین در بخشی دیگر از این سند آمده است: «ما باید آماده متوقف کردن کشورهای یاغی و تروریست‌ها باشیم پیش از آن‌که آن‌ها قادر به تهدید ما باشند یا از سلاح کشتار جمعی علیه آمریکا و متحدان و دوستان ما استفاده کنند» (National Security Strategy, US 2002, part 5, p.14).

1 . Steinberg.

2 . Preventive action.

3 . Preemptive action.

4 . Preventive Operation.

5 . National Security Strategy U.S, 2002.

برابر صراحت بند بالا، اگر تهدیدی از سوی یک دولت متوجه آمریکا و متحدانش باشد، این کشور در راستای خنثی کردن سرچشمه تهدید به‌گونه یک‌جانبه و پیش از دریافت حمله مسلحانه (برخلاف رویه ماده ۵۱ منشور در باب دفاع مشروع که حمله مسلحانه را شرط توسل به زور می‌داند)، به قوای نظامی خود متوسل می‌شود و به‌گونه پیش‌دستانه ضربه نخست را بر پیکر تهدید وارد می‌سازد. برابر سند یادشده، هرگونه تهدید که بر پایه درک آمریکا قریب‌الوقوع تشخیص داده شود، در حکم جواز برای توسل به قوای نظامی برای این کشور علیه تهدیدگر به شمار می‌رود. در عین حال، این رویه در گزارش هیأتی عالی‌رتبه که در سال ۲۰۰۳ از سوی کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، زیر عنوان «جهانی امن‌تر، مسئولیت مشترک ما» درباره تهدیدات، چالش‌ها و تغییر^۱ تشکیل شده بود، نیز مطرح گردید. در بخش سوم گزارش با نام «امنیت جمعی و استفاده از زور»، در مورد تناسب میان مقررات منشور و ماده ۵۱ با تهدیدات نوین، بیان می‌کند که اگر تهدید واقعاً قریب‌الوقوع باشد، دولت‌ها می‌توانند پیش از آن که مورد حمله قرار گیرند، به دفاع مشروع در شرایط قابل پیش‌بینی متوسل شوند. این گزارش قائل به تفکیک میان تهدید بالفعل و بالقوه است و در برابر تهدید بالفعل، دفاع پیش‌دستانه را تجویز می‌کند (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۲).

در سال ۲۰۰۵، کوفی عنان در راستای پیشنهاد اصلاح ماده ۵۱ منشور بیان کرد: «حقوقدانان مدت‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که ماده ۵۱ منشور هم ناظر به حملات به‌وقوع‌پیوسته و هم حملات قریب‌الوقوع است». اما اظهارات دبیرکل با مخالفت گسترده روبه‌رو شد؛ زیرا معیار دقیق و پذیرفته‌ای برای تشخیص و تعریف تهدید یا حمله قریب‌الوقوع وجود نداشت و ازسوی دیگر، اظهارات دبیرکل به‌گونه‌ای بود که گویی اجماع حقوقدانان مؤلفه دفاع پیش‌دستانه را پذیرفته است. در همان سال ۲۰۰۵، قطعنامه‌ای توسط سران کشورها در مجمع عمومی به تصویب رسید که در آن به نقش شورای امنیت به‌عنوان مسئول نخست حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین پایبندی کشورها به نص صریح بند (۴) ماده ۲ و ماده ۵۱ تأکید داشت. بنابراین، این موضع‌گیری کشورها به معنای عدم مقبولیت دکترین دفاع پیش‌دستانه نزد بیشتر کشورها می‌باشد.

این اقدام نه‌تنها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بلکه توسط شورای امنیت نیز مردود شناخته شده است. چنان‌که آمریکا و انگلستان به بهانه مقابله با القاعده (که مسئول حملات ۱۱ سپتامبر شناخته شده بود) به خاک افغانستان حمله کردند و آمریکا مدعی بود که پس از دریافت حمله مسلحانه از سوی القاعده، حق دفاع مشروع ذیل ماده ۵۱ منشور را در برابر آنان دارد؛ زیرا طالبان به گروه القاعده پناه داده است و مسئولیت رفتارهای این گروه را نیز بر عهده دارد. آمریکا هنوز توضیحات کاملی درباره حمله به افغانستان نداده بود که در سال ۲۰۰۳ به بهانه جلوگیری از دسترسی دولت عراق به تسلیحات کشتار جمعی، به این کشور حمله کرد. پس از این حمله، رئیس‌جمهور وقت آمریکا (جورج بوش) کوشید تأیید شورای امنیت را به دست آورد، اما تلاش وی بی‌نتیجه ماند. بدین ترتیب، این موارد بیانگر عدم پذیرش حمله

1. High level Panel On treat, Challenges and Change.

پیش‌دستانه از سوی جامعه بین‌المللی و عدم وجاهت آن در حقوق بین‌الملل، به‌ویژه نزد شورای امنیت است.

در عین حال، برخی از حقوق‌دانان طرفدار دکتربین دفاع پیش‌دستانه استدلال کرده‌اند که ماده ۵۱ منشور، نسخ دیگر حقوق دولت‌ها از جمله دفاع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل عرفی در مواجهه با خطر نیست، بلکه تنها یک مورد (دفاع مشروع در برابر حمله در حال انجام) را برشمرده است (بهستانی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). در پاسخ گفته شده است، همان‌گونه که «اِکِنل» در استدلال خود آورده، نظریه حق ذاتی به دوره زمانی پیش از منشور اشاره دارد که در آن به‌طور کلی توسل به زور به‌عنوان یک ابزار سیاست ملی قانونی بوده است؛ حال آن‌که منشور به این دلیل تدوین گردید که ممنوعیت و محدودیت بیشتری بر توسل به زور، نسبت به آنچه پیش از ۱۹۴۵ در حقوق قراردادی یا حقوق عرفی وجود داشت، پدید آورد (ظریف و امینه، ۱۳۹۱: ۷۲). همچنین اگر بخواهیم به تفسیر معتبری از ماده ۵۱ منشور در آرای محاکم قضایی درباره مشروعیت دفاع پیش‌دستانه دست یابیم، می‌توانیم به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه اشاره کنیم. در آن قضیه، مسئله مشروعیت یا عدم مشروعیت دفاع پیش‌دستانه یا پیش‌گیرانه مطرح نبود و دیوان نیز پاسخ مستقیمی در این زمینه نداد اما با توجه به این‌که دیوان چه بر پایه حقوق بین‌الملل عرفی و چه بر پایه ماده ۵۱ منشور، شرط وجاهت و مشروعیت کاربرد زور در مقام دفاع از خود را تنها پاسخ به حمله مسلحانه دانست، از آن می‌توان نتیجه گرفت که آنچه فراتر از عبارتهای ساده ماده ۵۱ منشور فرض و تفسیر شود، فاقد وجاهت قانونی است (I.C.J Reports, 1986, Judgment of 27 June 1986, Para 4-2).

برخی دیگر از طرفداران دکتربین دفاع پیش‌دستانه، با اشاره به ماده‌های ۳۹ و ۴۲ منشور بیان داشته‌اند: «بر پایه ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت نه‌تنها صلاحیت دارد نقض صلح یا اقدام به تجاوزی که روی داده را احراز کند، بلکه می‌تواند تهدیدات نسبت به صلح را نیز احراز کند و بر پایه ماده ۴۲ نیز صلاحیت دارد که در صورت ضرورت و به‌منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، با استفاده از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی اقداماتی به عمل آورد. چنین صلاحیتی آشکارا امکان کاربرد پیش‌دستانه نیروی نظامی را در بر می‌گیرد و بیانگر مشروعیت و پیش‌بینی دفاع پیش‌دستانه در منشور ملل متحد است» (Cassese, 2005, pp 360-344).

در پاسخ به این ادعا، گفته شده است که منشور ملل متحد به‌مثابه بنیان نظام امنیت جمعی، وظیفه حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده شورای امنیت نهاده و در این جهت، صلاحیت و اختیاراتی را برای این شورا قائل شده است. برابر اصل ۳۹ منشور، خود شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز می‌کند و برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی بر پایه ماده‌های ۴۱ و ۴۲ توصیه‌هایی به عمل می‌آورد یا به اتخاذ تصمیماتی مبادرت می‌ورزد. از این‌رو، احراز تهدید علیه صلح و امنیت یا نقض آن، فقط در اختیار شورای امنیت است و بر پایه ماده ۵۱، تنها در صورت وقوع تجاوز یا حمله مسلحانه، دولت‌ها (آن‌هم به‌طور موقت و تا زمان اقدام مؤثر شورای امنیت) مجازند به دفاع مشروع

بپردازند. بر این پایه، دفاع مشروع دولت‌ها، یک صلاحیت جایگزین و موقت از سوی شورای امنیت است که به محض اقدام شورا، صلاحیت دولت مدافع ساقط می‌شود (ظریف و امینه، ۱۳۹۱: ۷۶).

بر این اساس، برابر سیستم امنیت جمعی سازمان ملل متحد، صلاحیت توسل به زور در همه موارد تنها بر عهده شورای امنیت سازمان ملل متحد است که در شرایط وجود حمله مسلحانه علیه هریک از دول عضو، به آن‌ها اجازه داده شده به‌طور موقت اقدامات لازم را برای دفع حمله و خطر به عمل آورند. بنابراین، به طریق اولی نمی‌توان نقشی برای دولت‌ها در احراز یا دفع تهدیدات متصور قائل شد. اگر برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، امکان کاربرد پیش‌دستانه نیروی نظامی هم متصور باشد، تنها از صلاحیت انحصاری شورای امنیت به شمار می‌رود و این صلاحیت به‌هیچ‌وجه قابل تعمیم به دولت‌ها نیست.

به‌عنوان قاطع‌ترین دلیل می‌توان گفت پذیرش دفاع پیش‌دستانه سبب خواهد شد تا دولت‌ها در برابر حملات موهوم و ادعایی و به بهانه چنین مفهومی دست به تجاوز بزنند یا با متهم ساختن دیگران به تهدیدآمیز بودن رفتارشان، آنان را به تمکین در برابر دولت‌های قدرتمندی مانند آمریکا وادارند و این امر امکان اخاذی از دولت‌های کوچک را برای قدرت‌های بزرگ فراهم خواهد کرد.

درعین حال، دفاع پیش‌گیرانه به تهاجمی گفته می‌شود که در آن یک دولت با هدف سرکوب توانمندی دولت رقیب برای هرگونه احتمال حمله در آینده (حتی در مواردی که هیچ دلیل و اعتقادی در مورد طراحی تهاجم وجود نداشته باشد) به زور متوسل شود. جنگ پیش‌گیرانه به‌منظور نابودی ظرفیت تهدید دشمن، هنگامی که حمله‌ای از سوی آن انتظار نمی‌رود، صورت می‌پذیرد. چنین نظریه‌ای به‌یقین در حقوق بین‌الملل جایگاهی ندارد و پذیرفته نیست؛ زیرا در این حمله، نشانه‌های قطعی از اقدامات تهدیدزای فوری رقیب وجود ندارد. بنابراین، هنگامی که دفاع پیش‌دستانه در برابر حمله قریب‌الوقوع پذیرفته نیست، به‌طور اولی دفاع پیش‌گیرانه که متکی بر حملات موهوم و خیالی است، در حقوق بین‌الملل غیرقابل قبول است. بهترین نمونه استناد به جنگ پیش‌گیرانه، تهاجم اسرائیل به نیروگاه «اوسیراک» عراق در سال ۱۹۸۱ می‌باشد. این اقدام با توجه به نبود مؤلفه‌های مورد نظر دفاع پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه، توسط همه کشورهای (ازجمله اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت) محکوم گردید. شورای امنیت به تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ قطعنامه ۴۷۸ را صادر کرد. این قطعنامه، اقدام اسرائیل را محکوم و عراق را مستحق دریافت غرامت دانست و از اسرائیل خواسته شد تا دیگر حتی تهدید به انجام چنین حملاتی نکند. این قطعنامه شورای امنیت جزو معدود قطعنامه‌هایی بود که شورای امنیت علیه اسرائیل به تصویب رساند و با معضل وتوی آمریکا نیز مواجه نشد (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۴).

۴. حمله اسرائیل به ایران و پاسخ نظامی ایران، از دیدگاه منشور ملل متحد

مبتنی بر آنچه درباره مفاد مقررات حقوقی در سطح جامعه جهانی و اسناد بالادستی سازمان ملل متحد، بیان شد در این‌جا به‌طور دقیق‌تر و تطبیقی به بررسی حمله اسرائیل به ایران و پاسخ ایران نظامی ایران از دیدگاه منشور ملل متحد پرداخته می‌شود.

۴-۱. حمله اسرائیل به ایران

با توجه به آنچه در مورد حمله ۲۳ جوزا، ۱۴۰۴ اسرائیل به ایران در مباحث بالا بررسی گردید، به نظر می‌رسد که دفاع پیش‌دستانه و نیز دفاع پیش‌گیرانه (که از سوی اسرائیل در توجیه حملاتش به ایران مطرح شده و تفسیر گسترده و فراقانونی از ماده ۵۱ منشور است) جایگاهی در حقوق بین‌الملل ندارد و اسرائیل با انجام حملات پیش‌گیرانه خود، مرتکب نقض صریح منشور و اصول آمره حقوق بین‌الملل، از جمله ممنوعیت توسل به زور و اصل حاکمیت دولت‌ها شده است. استناد به دفاع مشروع پیش‌دستانه، توجیهی برای کاربرد زور تلقی می‌شود و از دیدگاه منشور ملل متحد، اقدامی غیرقانونی و غیرقابل‌پذیرش به شمار می‌رود. بنابراین، حمله مسلحانه اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران و استناد آن به نظریه دفاع مشروع پیش‌دستانه، ناموجه، نقض منشور سازمان ملل متحد و نقض حاکمیت ایران می‌باشد.

از سوی دیگر، حتی اگر بپذیریم که دفاع پیش‌دستانه در صورت قریب‌الوقوع بودن حمله مسلحانه از نظر حقوق بین‌الملل عرفی و یا دست‌کم نزد برخی کشورها پذیرفته است، اسرائیل باید ثابت کند که حمله ایران به آن کشور قریب‌الوقوع بوده است؛ در حالی که دولت ایران در حال انجام مذاکرات در مورد مسائل هسته‌ای خود بوده و از اساس هیچ‌گونه تهدید فوری یا قطعی از سوی دولت ایران علیه آن کشور وجود نداشت. ضمن این‌که ماده ۵۱ منشور به هیچ‌وجه حق حمله به دولت دیگر را به دلیل ترس از این‌که آن دولت در حال ساخت یا طراحی سلاح‌های قابل استفاده در حمله آینده است مطرح نمی‌کند.

استناد اسرائیل به دفاع مشروع پیش‌دستانه، غیرقابل‌پذیرش تلقی می‌شود و بدون تردید، حمله مسلحانه اسرائیل به تمامیت سرزمینی و حاکمیت ایران، به موجب قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴، مصداق بارز تجاوز نظامی تلقی می‌شود و نقض صریح قاعده آمره منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل برابر بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد به شمار می‌رود.

۴-۲. پاسخ نظامی ایران

از سوی دیگر، ایران پاسخ نظامی خود را به حمله ۲۳ جوزا، ۱۴۰۴ اسرائیل و اقداماتی را که در جریان جنگ ۱۲ روزه علیه اسرائیل انجام داده است، بر پایه ماده ۲ و ماده ۵۱ منشور در قالب دفاع مشروع قابل توجیه می‌داند (ایران اینترنشنال، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۵). بدین ترتیب، باید دید که آیا استناد ایران به دفاع مشروع مصرح در ماده ۵۱ منشور قابل توجیه است یا نه.

برابر صراحت ماده ۵۱ منشور، یکی از اساسی‌ترین شرایط توسل به دفاع مشروع، محرز و مسلم بودن حمله مسلحانه یا تجاوز مسلحانه است. به این معنا که تجاوز یا حمله مسلحانه باید صورت گرفته باشد و این حمله عینیت یا تجلّی بیرونی پیدا کرده باشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۵۴۴). این امر بیانگر این است که هرگونه حمله پیش‌گیرانه در این زمینه فاقد ارزش حقوقی است و دفاع محسوب نمی‌شود. بنابراین، برابر ماده ۵۱ منشور ملل متحد، در دفاع مشروع، مفروض است که باید پیش از آن، حمله مسلحانه روی داده باشد. اقدامات ایدئولوژیک، فرهنگی یا اقتصادی، از اساس، تجاوز محسوب نمی‌شوند (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). بنابراین، از آن‌جا که دفاع مشروع مرتبط با وقوع حمله یا تجاوز است، این پرسش پیش می‌آید که تجاوز چیست؟ ماده ۱ قطعنامه شماره ۳۳۱۴ زیر عنوان «قطعنامه تعریف تجاوز»، این‌گونه به تعریف تجاوز

پرداخته است: «تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح به‌وسیله یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر، یا کاربرد آن از دیگر راه‌های ناسازگار با منشور ملل متحد، به گونه‌ای که در این تعریف آمده است». قطعنامه ۳۳۱۴ در مورد تجاوز، تصریح می‌دارد که اقدامات زیر، صرف‌نظر از اعلان جنگ، تجاوز محسوب می‌شوند:

- استفاده نخست از نیروی مسلح توسط یک دولت، در تخلف از منشور، به‌طور اولیه دلیل بر وقوع عمل تجاوز به شمار می‌رود (RES/3314, Art.2):

- تهاجم یا حمله نیروهای مسلح یک کشور به قلمرو کشور دیگر، یا هرگونه اشغال نظامی (ولو موقتی) ناشی از چنین حمله یا تهاجمی، یا الحاق سرزمینی به‌وسیله زور؛

- بمباران سرزمین کشور دیگر توسط نیروهای مسلح یک کشور یا استفاده از هر نوع سلاح توسط یک کشور علیه قلمرو کشور دیگر (A/RES/3314, Art.3).

از آن‌جا که حمله اسرائیل به ایران واجد اوصاف یادشده بوده، می‌توان گفت حمله آن کشور مصداقی از تجاوز است و برای ایران حق ذاتی دفاع مشروع پدید آورده است. همچنین از دیگر شرایط دفاع مشروع، «فوریت»، «ضرورت»، «تناسب» و «اطلاع‌رسانی به شورای امنیت» است. آیا ایران چنین شرایطی را در جهت استناد به دفاع مشروع برآورده ساخته است؟

۱-۲-۴. شرط ضرورت در پاسخ ایران

شرط «ضرورت» در دفاع مشروع به این معناست که دولت هیچ راه یا پاسخ مؤثر دیگری برای جلوگیری از حمله مسلحانه جز توسل به زور در قالب دفاع مشروع ندارد. به این معنا که دولت پیش از استفاده از حق دفاع مشروع، ابتدا باید دیگر گزینه‌های غیرزورمندانه مانند استفاده از راه‌های دیپلماتیک، غرامت و جز این‌ها را بررسی کند. برای احراز ضرورت دفاع مشروع، لازم است دولت مدعی دفاع نشان دهد که دفاع، تنها راه موجود برای دفع حملات مسلحانه به خود می‌باشد. رعایت عنصر ضرورت، مستلزم تأیید این امر است که درگیری را نمی‌توان از راه اقدامات مسالمت‌آمیز حل کرد. بر پایه شواهد اثبات‌شده، باید فرض کرد که یک حمله مسلحانه قریب‌الوقوع است و نیاز به پاسخ دارد و باید به دفاع مشروع متوسل شد. در وضعیت‌های حملات مسلحانه‌ای که به اشغال و دیگر شکل‌های درگیری‌های پیوسته می‌انجامد، ضرورت به‌آسانی قابل احراز است (Dahal, 2020: 1112).

در حمله به ایران، این عنصر به‌خوبی آشکار بوده است که این حمله جز توسل به زور از راه دیگر قابل دفع نیست و هرگاه به چنین حمله‌ای پاسخ داده نشود، ادامه خواهد یافت و خود نخست‌وزیر اسرائیل، اعلام کرد که این عملیات «تا زمانی که گسترش [تهدید] متوقف شود، ادامه خواهد داشت» (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۳ جوزا ۱۴۰۴). این امر به‌خوبی بیانگر عدم تمایل اسرائیل به گفت‌وگو و استمرار حملات آن کشور به ایران است که نیاز به پاسخ نظامی فوری دارد؛ بنابراین، عنصر ضرورت برای پاسخ نظامی ایران نیز محقق شده است.

۴-۲-۲. شرط فوریت در پاسخ ایران

شرط «فوریت» در دفاع شروع به این معناست که پاسخ به یک حمله مسلحانه باید فوری باشد. پاسخ ایران به حملات اسرائیل نیز واجد وصف فوریت بوده است؛ زیرا تنها چند ساعت پس از حمله اسرائیل، ایران به دفاع برخاست و پاسخ متقابل داد. هرچند امروزه نظریه فوریت چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ زیرا ممکن است مدتی طول بکشد تا مقامات دولتی برای پاسخ به یک حمله مسلحانه تصمیم بگیرند. رویه دولت‌ها حاکی از آن است که یک پاسخ منطقی با تأخیر پذیرفتنی است؛ در جایی که هویت مهاجم نیاز به جمع‌آوری اطلاعات داشته باشد و نیروهای نظامی دولت نیاز به دستور لازم برای حمله به شیوه‌ای هدفمند داشته باشند (سعیدی و حقانی، ۱۴۰۲: ۶۴).

۴-۲-۳. شرط تناسب در پاسخ ایران

«تناسب» شرط سوم در اعمال دفاع مشروع و به این معناست که میان عمل تجاوز و دفاع مشروع تناسب وجود داشته باشد. در صورت بروز تجاوز، باید دفاع مشروع متناسب با تجاوز باشد. بنابراین، اگر تجاوز فقط در حد یک درگیری کوچک مرزی باشد، نباید دفاع در برابر آن به‌گونه‌ای باشد که به تخریب عمده در برابر کشور متجاوز بینجامد (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۴۸). تناسب به این معناست که استفاده از زور در مقام دفاع باید محدود به خنثی‌سازی یا از بین بردن تهدید یا حمله مسلحانه باشد، نه بیش از اندازه حمله. همچنین، معیار یا عنصر تناسب در دفاع مشروع، نوع سلاح‌های به‌کاررفته در پاسخ به یک حمله مسلحانه را در نظر دارد. اما درعین‌حال، لازم نیست که سلاح‌های به‌کاررفته برای دفاع از خود، همان سلاح‌های حمله باشند (Dahal, Ibid). با توجه به این بیان، منظور از تناسب این نیست که دولتی که در مقام دفاع مشروع قرار دارد، نباید بیشتر از زوری که علیه او اعمال شده، استفاده کند. چنین قاعده‌ای در عمل بی‌معناست. برای نمونه، برای بریتانیا ممکن نبود که پس از حمله آرژانتین به جزایر فالکلند در سال ۱۹۸۲، این جزایر را تنها با استفاده از همان میزان زوری که آرژانتین استفاده کرده بود، بازپس گیرد؛ چرا که آرژانتین به مراتب نیروی نظامی بیشتری از نیروهای نظامی بریتانیا در جزایر یادشده مستقر کرده بود. معیار درست همان است که «سر هامفری والداک» بیان داشته است. به باور وی، توسل به زور برای دفاع مشروع باید تنها محدود به هدف متوقف ساختن یا جلوگیری از آسیب و لطمه (به حقوق دولت مدافع) باشد و به‌طور معقول با آنچه برای نیل به این هدف ضرورت دارد، متناسب باشد. در قضیه فالکلند، بریتانیا مجاز بود تا از چنین نیروی نظامی استفاده کند؛ زیرا ضرورت داشت جزایر را بازپس گیرد و امنیت آن‌ها را در برابر حملات بعدی تضمین کند (فلک، ۱۳۹۵: ۲۳). استنتاج از این بیان آن است که تناسب در دفاع مشروع بیشتر ناظر بر هدف و تأثیر دفاع مشروع است، نه بر تعداد، مقدار یا نوعیت وسیله دفاع.

در احراز این شرط، امیرسعید ایروانی (سفیر و نماینده دایم ایران در سازمان ملل) بیان داشته است: «این اقدامات تنها در پاسخ به توسل غیرقانونی به زور از سوی رژیم اسرائیل صورت گرفته که آشکارا ناقض ماده ۴(۳) منشور بوده و به‌طور کامل منطبق با اصول ضرورت و تناسب در حقوق بین‌الملل انجام شده‌اند». او گفته است: «در ابتدا، پاسخ ایران به اهداف نظامی محدود بود، اما با توجه به تشدید عمده اقدامات تجاوزکارانه رژیم اسرائیل، ازجمله حمله به زیرساخت‌های حیاتی غیرنظامی ایران، به‌ویژه حمله به

پالایشگاه عسلویه در نزدیکی خلیج فارس در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۲۵، جمهوری اسلامی ایران بر پایه اصل تناسب، اقدامات تکمیلی‌ای را علیه زیرساخت‌های ویژه متعلق به رژیم اسرائیل به‌عنوان اهداف مشروع اتخاذ کرد؛ اهدافی که به‌طور مادی در حمایت از تجاوزات جاری آن رژیم دخیل بوده و نقش داشته‌اند. سفیر ایران در سازمان ملل تأکید کرد: «پاسخ نظامی ایران تنها با هدف دفع تجاوز، بازدارندگی و جلوگیری از تکرار چنین جنایاتی صورت گرفته است. جمهوری اسلامی ایران قاطعانه از امنیت و تمامیت ارضی خود دفاع خواهد کرد» (خبرگزاری ایسنا، ۲۴ جوزا، ۱۴۰۴).

۴-۲-۴. شرط اطلاع‌رسانی در پاسخ ایران

آخرین شرط برای دفاع مشروع، اطلاع‌رسانی به شورای امنیت سازمان ملل است. برابر ماده ۵۱ منشور، کشور مدافع هر اقدامی که در دفاع از خود انجام می‌دهد، باید بی‌درنگ به شورای امنیت گزارش دهد. گزارش به شورای امنیت یک مفهوم نوین است که هیچ ریشه‌ای در حقوق بین‌الملل عرفی ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه بیان داشته است که برای دولت قربانی مهم است که دفاع از خود را به شورای امنیت گزارش دهد تا به‌طور قانونی استفاده از زور را توجیه کند (Dahal, Ibid).

این ماده در منشور ذکر شده تا جامعه بین‌المللی بتواند ارزیابی کند که آیا یک حمله مسلحانه رخ داده است یا نه و همچنین ارزیابی شود که آیا اقدامات انجام‌شده توسط دولت قربانی در دفاع از خود، عناصری مانند ضرورت، تناسب و فوریت را برآورده کرده است یا نه (Dahal, Ibid). این شرط از این جهت بیان شده است که از اقدامات خودسرانه دولت‌ها جلوگیری شود و چنان‌که گفته شد، شورای امنیت اقدامات صورت‌گرفته را برای حفظ صلح و امنیت کشور قربانی تجاوز مقتضی بداند (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۴۸).

در احراز این شرط نیز نماینده دایم ایران در سازمان ملل متحد، در نامه‌ای از دفاع مشروع این کشور در برابر اسرائیل به شورای امنیت خبر داده است. وی در نامه خود به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت بیان داشته است: «متعاقب دستور دولت متبوعم و با ارجاع به نامه مورخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (S/۳۷۹/۲۰۲۵) پیرامون اقدامات غیرقانونی و تجاوزکارانه رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، بدین‌وسیله مایلیم به اطلاع برسانم که جمهوری اسلامی ایران، در اجرای حق ذاتی خود در دفاع مشروع ذیل ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اقدام به انجام عملیات دفاعی متناسب کرده است که تنها متوجه اهداف نظامی و زیرساخت‌های مرتبط در سرزمین‌های اشغالی زیر اشغال غیرقانونی رژیم اسرائیل بوده است» (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۲۶ جوزا، ۱۴۰۴).

چنان‌که از مباحث بالا ملاحظه گردید، شرایط دفاع مشروع در پاسخ ایران به اسرائیل به‌طور کامل محقق بوده و استناد آن کشور به دفاع مشروع، موجه و در مطابقت با اصول حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است. همچنین ایران می‌تواند در مورد نقض بند ۴ ماده ۲ و همچنین نقض تمامیت ارضی و حاکمیت این کشور از سوی اسرائیل، با استناد به طرح مسئولیت بین‌المللی دولت (۲۰۰۱)، اساسنامه رم و قطعنامه تعریف تجاوز، علیه اسرائیل در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوا کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

درگیری ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل که در تاریخ ۲۳ جوزا، ۱۴۰۴ به صورت تبادل حملات مستقیم نظامی نمود یافت، نقطه عطفی در روند تنش‌های منطقه‌ای به شمار می‌رود و بار دیگر پرسش‌هایی جدی را درباره حد و مرز مشروعیت استفاده از زور در حقوق بین‌الملل مطرح کرده است.

بررسی انجام‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که اصل منع توسل به زور به‌عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل، نقطه آغاز تحلیل حقوقی هرگونه اقدام نظامی میان دولت‌ها است. هرگونه عدول از این اصل تنها در شرایطی بسیار ویژه و با رعایت دقیق معیارهایی چون ضرورت، تناسب و اطلاع‌رسانی به شورای امنیت، می‌تواند در قالب دفاع مشروع پذیرفته شود.

بر پایه این بررسی، منازعه اخیر میان ایران و اسرائیل، به‌ویژه در جریان جنگ ۱۲ روزه، نشان می‌دهد که ادعای اسرائیل مبنی بر توسل به «دفاع پیش‌دستانه» برای توجیه حمله به خاک ایران، با مبانی پذیرفته حقوق بین‌الملل ناسازگار است. دکترین دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه، اگرچه در ادبیات سیاسی مطرح شده، از دیدگاه حقوقی، فاقد جایگاه روشن و الزام‌آور در چارچوب منشور ملل متحد و قواعد عرفی بین‌الملل است. بر پایه ماده ۵۱ منشور، دفاع مشروع تنها در پاسخ به حمله مسلحانه فعلیت یافته قابل توجیه است، نه بر پایه گمانه‌زنی نسبت به تهدیدات احتمالی آینده.

در برابر، پاسخ ایران به حملات اسرائیل که مشمول شرایط لازم دفاع مشروع (ازجمله وقوع تجاوز، رعایت اصل تناسب، ضرورت اقدام فوری و اطلاع‌رسانی به شورای امنیت) است و از دیدگاه حقوقی موجه و مشروع تلقی می‌شود. تحلیل اسناد و واکنش‌ها نشان می‌دهد که ایران در پاسخ به حمله مستقیم و مستند، از حق استفاده کرده که منشور ملل متحد آن را در قالب دفاع مشروع به رسمیت شناخته است.

در نتیجه، اقدامات اسرائیل را می‌توان نقض صریح اصل منع توسل به زور و تعدی به حاکمیت سرزمینی یک دولت دانست که برابر قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد، مصداق بارز تجاوز به شمار می‌رود. تداوم چنین رفتارهایی، در کنار بی‌اعتنایی به صلاحیت انحصاری شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، می‌تواند به مشروعیت‌زدایی از نظم حقوقی موجود بین‌المللی بینجامد.

منابع و مراجعها

۱. ابراهیم‌زاده، پوریا، و ملکی‌زاده، امیرحسین. (۱۴۰۰). جایگاه دفاع پیش‌دستانه از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تبیین موانع حقوق بین‌المللی اعمال آن جهت حفاظت از غیرنظامیان. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۸(۲)، ۸۳-۱۰۰.
۲. امید، علی. (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل معاصر (از نظریه تا عمل). تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۳. بهستانی، مجید. (۱۳۸۷). دفاع پیش‌گیرانه در حقوق بین‌الملل جدید. فصلنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع‌رسانی گواه، ۱۲(۱)، ۱۴۷-۱۵۰.
۴. بی‌بی‌سی فارسی. (۱۳ حمل ۱۴۰۳). حمله هوایی به کنسولگری ایران در دمشق؛ تهران خواستار نشست فوری شورای امنیت شد. بازیابی‌شده در ۱۸ سرطان ۱۴۰۴.
۵. بی‌بی‌سی فارسی. (۱۴ جدی ۱۴۰۳). وعده «ضربه سخت» به حوثی‌ها؛ اسرائیل مسئولیت کشتن اسماعیل هنیه در تهران را پذیرفت. بازیابی‌شده در ۱۸ سرطان ۱۴۰۴.
۶. بی‌بی‌سی فارسی. (۱۶ میزان ۱۴۰۲). بالاگرفتن بحث‌ها درباره نقش ایران در حمایت از حماس. بازیابی‌شده در ۱۷ سرطان ۱۴۰۴.
۷. بی‌بی‌سی فارسی. (۲ سرطان ۱۴۰۴). از تهران تا تل‌آویو: آنچه در ۱۲ روز جنگ اسرائیل و ایران گذشت. بازیابی‌شده در ۲۱ سرطان ۱۴۰۴.
۸. بی‌بی‌سی فارسی. (۲۱ آوریل ۲۰۰۵). طرح شارون برای تغییر حکومت در ایران. بازیابی‌شده در ۱۴۰۴/۴/۱۰.
۹. بی‌بی‌سی فارسی. (۲۳ جوزا ۱۴۰۴). اسرائیل می‌گوید به اهداف هسته‌ای و نظامی ایران حمله کرده و انتظار واکنش فوری ایران را دارد. بازیابی‌شده در ۱۹ سرطان ۱۴۰۴.
۱۰. بی‌بی‌سی فارسی. (۲۳ جوزا ۱۴۰۴). درباره حملات اسرائیل به مراکز هسته‌ای و فرماندهان نظامی ایران چه می‌دانیم؟ بازیابی‌شده در ۱۹ سرطان ۱۴۰۴.
۱۱. بی‌بی‌سی فارسی. (۲۷ اسد ۱۴۰۳). ایران و اسرائیل؛ از جنگ نیابتی تا نگرانی از درگیری منطقه‌ای. بازیابی‌شده در ۱۷ سرطان ۱۴۰۴.
۱۲. خبرگزاری ایسنا. (۲۴ جوزا ۱۴۰۴). ایروانی: شورای امنیت به شدیدترین وجه حمله رژیم اسرائیل به ایران را محکوم کند. بازیابی‌شده در ۲۷ سرطان ۱۴۰۴.
۱۳. داعی‌الاسلام، سیدسعید. (۱۴۰۱). حاکمیت در حقوق بین‌الملل. مجله بین‌المللی پژوهش ملل، ۷(۸۱)، ۷۱-۸۴.
۱۴. داور، فرامرز. (۱۹ اسفند ۱۴۰۱). رابطه ۲۹ ساله ایران و اسرائیل؛ پنهانی و نزدیک مثل روابط نامشروع. ایران ویر. بازیابی‌شده در ۱۴۰۴/۴/۱۰.
۱۵. دویچه‌وله فارسی. (۱ ثور ۱۴۰۳). «انهدام» یا «خسارت» به بخش راداری سامانه اس-۳۰۰ اصفهان. بازیابی‌شده در ۱۸ سرطان ۱۴۰۴.
۱۶. دویچه‌وله فارسی. (۲۳ جوزا ۱۴۰۴). چند دور حملات موشکی ایران علیه اسرائیل؛ آتش و دود در تهران. بازیابی‌شده در ۲۱ سرطان ۱۴۰۴.
۱۷. دویچه‌وله فارسی. (۳ سرطان ۱۴۰۴). اسرائیل ایران را به نقض آتش‌بس متهم کرد، ایران تکذیب کرد. بازیابی‌شده در ۲۱ سرطان ۱۴۰۴.
۱۸. روزنامه اطلاعات آنلاین. (۷ میزان ۱۴۰۳). سردار نیلفروشان همراه سیدحسن نصرالله به شهادت رسید. بازیابی‌شده در ۱۸ سرطان ۱۴۰۴.
۱۹. سعیدی، عبدالقدیم، و حقانی، جمعه‌علی. (۱۴۰۲). وضعیت حقوقی حمله ایران به اسرائیل در قالب مفاهیم اقدامات تلافی‌جویانه، اقدامات متقابل و دفاع مشروع. مجله بین‌المللی حقوق کاتب، ۲(۲)، ۴۹-۷۳.
۲۰. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل عمومی (چاپ سی‌وششم). تهران: گنج دانش.

۲۱. ظریف، محمدجواد، و امینه، محمدآهنی. (۱۳۹۱). دفاع مشروع پیش‌دستانه، مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، (۱۲)، ۴۱-۸۲.
۲۲. عصر ایران. (۲۶ جوزا ۱۴۰۴). نامه ایران به شورای امنیت: «پاسخ نظامی ما دفاع مشروع و متناسب با اهداف نظامی اسرائیل بود». بازبایی‌شده در ۲۶ سرطان ۱۴۰۴.
۲۳. فلک، دیترو. (۱۳۹۵). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه (ترجمه سیدقاسم زمانی و نادر ساعد، چاپ چهارم). تهران: شهر دانش.
۲۴. موسوی‌فر، رضیه. (۱۳۹۵). روابط ایران و آمریکا؛ مسئله اسرائیل. فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، (۲)، ۴۶-۵۱۴.
۲۵. وی‌اُئی فارسی. (۱۰ اسد ۱۴۰۳). اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در ایران کشته شد. بازبایی‌شده در ۱۸ سرطان ۱۴۰۴.
۲۶. یورونیوز فارسی. (۱۴ حمل ۱۴۰۳). تبعات منطقه‌ای حمله به کنسولگری ایران در دمشق؛ اسرائیل به دنبال چیست؟ بازبایی‌شده در ۱۸ سرطان ۱۴۰۴.

27. Al Jazeera. (2024, October 26). Israel strikes Iran: What we know so far and what's next. Retrieved July 10, 2025, from Al Jazeera website.
28. Axios. (2024, October 26). Israel strike crippled Iran's missile production, sources say. Retrieved July 10, 2025, from Axios website.
29. Byman, Daniel. (2003). Should Hezbollah be next? Foreign Affairs, 82.(۶)
30. Cassese, Antonio. (2005). International law (2nd ed.). Oxford, United Kingdom: Oxford University Press.
31. Conference on Security and Co-operation in Europe. (1975). Final Act of the Conference on Security and Co-operation in Europe (Helsinki Final Act). Helsinki, Finland.
32. Dahal, Prabesh. (2020). Right to self-defence of states under international law. International Journal of Law Management & Humanities, 3(5), 1107-1120.
33. Fox News. (2014, January 29). Israel's Netanyahu says Iran nuclear program delayed six weeks. Retrieved July 2, 2025, from Fox News website.
34. International Court of Justice. (1986). Military and paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Judgment of 27 June 1986. I.C.J. Reports 1986.
35. National Security Council. (2002). The national security strategy of the United States of America. Washington, DC: United States Government.
36. Permanent Mission of the Islamic Republic of Iran to the United Nations. (2024, April 1). Ambassador's statement before the United Nations Security Council regarding Iran's legitimate right to self-defense against the Israeli regime.
37. Reuters. (2024, September 29). Israel kills Hezbollah leader Nasrallah in airstrike. Retrieved July 9, 2025, from Reuters website.
38. Sharma, Harsh. (2024, November 14). The Iran-Israel conflict: A historical and geopolitical analysis with legal and security dimensions. Forum for Global Studies. Retrieved July 30, 2025, from <https://forumforglobalstudies.com/the-iran-israel->

conflict-a-historical-and-geopolitical-analysis-with-legal-and-security-dimensions/

39. The Guardian. (2024, October 1). Iran has launched attack – Middle East crisis live. Retrieved July 10, 2025, from The Guardian website.
40. The Jerusalem Post. (2017, March 17). Netanyahu: Syria strikes were to block transfer of weapons to Hezbollah. Retrieved July 7, 2025, from The Jerusalem Post website.
41. The Jerusalem Post. (2019, August 23). American officials confirm Israel behind strikes in Iraq. Retrieved July 7, 2025, from The Jerusalem Post website.
42. The Jerusalem Post. (2024, October 26). Behind the scenes of Israeli attack: Over 100 aircraft and a 2,000 km journey to Iran. Retrieved July 10, 2025, from The Jerusalem Post website.
43. The Times of Israel. (2024, March 3). 38 children were killed, 20 orphaned on Oct. 7: The state did not pass the test of protecting them. Retrieved July 8, 2025, from The Times of Israel website.
44. The Times of Israel. (2024, October 27). Though limited, Israel's highly successful attack leaves Iran more vulnerable than ever. Retrieved July 10, 2025, from The Times of Israel website.
45. The Times of Israel. (2025, June 13). An immediate operational necessity: Why Israel finally attacked Iran's nuclear facilities. Retrieved July 10, 2025, from The Times of Israel website.
46. The Wall Street Journal. (2023, October 8). Hamas says attacks on Israel were backed by Iran. Retrieved July 8, 2025, from The Wall Street Journal website.
47. The Washington Post. (2024, April 14). Iran launches massive drone and missile attack against Israel. Retrieved July 9, 2025, from The Washington Post website.
48. United Nations General Assembly. (1970, October 24). Declaration on principles of international law concerning friendly relations and co-operation among states in accordance with the Charter of the United Nations (Resolution 2625 [XXV]).
49. United Nations General Assembly. (1974, December 14). Definition of aggression (Resolution 3314 [XXIX]).
50. United Nations. (1945, October 24). Charter of the United Nations. New York, NY: United Nations.